



البته بعضی‌ها ممکن بود متوجه نباشند، ولی در مجموع احساس می‌کنم جایگاه دوربین در میان رزمنده‌ها خیلی خوب بود و بچه‌های رزمنده حمایت‌های خوبی از ما داشتند.

**■ عکاسی جنگ امروز چه تفاوتی با عکاسی در جنگ تحمیلی داشته و عکس‌های این دوره‌ها چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟**  
در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، نیروها در صحنه جنگ بودند؛ یعنی آدم‌ها در خیابان بودند، نفربر بود و همه حضور داشتند. ولی در این دو جنگ اخیر، ما نیروها را نمی‌بینیم؛ موشک و حمله‌های هوایی و تخریب و کشتارهای اینچنینی است که مظلومیت ما را نشان می‌دهد.

آن جنگ، جنگی بود که در بستر خیابان و بیشتر زمینی بود؛ یعنی نیروها در بیابان بودند، اسیر می‌شدند، ما تانک و شلیک می‌دیدیم، ولی این دو جنگ اخیر، متأسفانه همه‌اش تخریب است.

اینجا ما هیچ رزمنده‌ای نمی‌بینیم. موشک‌ها پرتاب می‌شوند، خیلی از عکاس‌ها نمی‌توانند عکس بگیرند، چون به دلیل مسائل بسیار امنیتی، مکانش خیلی باید محرمانه باشد؛ اینکه از کجا شلیک شده و... خیلی متفاوت است. آن زمان آن حس مردمی‌تر و حضور مردم، نیروها و کسانی که از سرزمین دفاع می‌کردند، وجود داشت. الان واقعاً هیچ کس را نمی‌توانید ببینید.

ارزش‌ها و چیزهایی را ببینید که جنگ ما را در این هشت سال از جنگ‌های دیگر متمایز می‌کند. در جنگ‌های دیگر، مثلاً دو ارتش با هم می‌جنگند و ممکن است هر دو در یک سمت و سو باشند؛ مثلاً این یکی خاک آن را گرفته و آن یکی خاک این را؛ در حالی که در جنگ دفاع مقدس، ما مظلوم واقع شدیم و مورد تجاوز قرار گرفته بودیم. بنابراین روحیه و نگرش ما، چه رزمنده، چه هنرمند و چه مسئول، باید متفاوت باشد. ما از تمامیت ارضی‌مان دفاع می‌کنیم و مورد تجاوز قرار گرفته‌ایم. دشمن مدرسه ما را زده، خانه‌ها را ویران کرده و موشک زده است. مثل جنگ‌هایی که همین الان متداول است، همین حالت را داریم. مدرسه میناب نمونه دیگری از مظلومیت ماست.

**■ واکنش مردم یا رزمندگان آن زمان به حضور عکاس و دوربین در صحنه‌های جنگ چطور بوده است؟**

خیلی خوب بود مثلاً وقتی وارد خرمشهر شدیم، یکی این نظامیان گفت: «نه، اینجا لو می‌رود و فلان...»؛ این نگاه خودش بود. ولی بلافاصله رفتیم آن طرف‌تر که یک رزمنده گفت: «نه، نه، بگیرید الان ببینید چه پیروزی‌ای! ما خرمشهر را گرفتیم. هر چه عکس بگیریم، این‌ها سند تاریخی برای نسل‌های بعد است». نگاه‌های متفاوتی وجود داشت. خیلی از رزمنده‌ها به ما کمک می‌کردند و می‌فهمیدند که ما داریم چه صحنه‌هایی را ثبت می‌کنیم.

**گفت‌وگوی قدس با امیرعلی جوادیان، عکاس جنگ به مناسبت سالروز آغاز جنگ هشت ساله**

# از خط مقدم تا قاب تاریخ

**■ فکر می‌کنید کدام بخش از زندگی رزمنده‌ها و مردم در دوران جنگ کمتر در قاب عکاسان دیده شده است؟**

آن موقع تجربه ما خیلی کم بود. الان اگر با این تجربه عکاسی کنیم، می‌دانیم چه عکس‌هایی می‌توانیم ثبت کنیم. آن زمان با تجربه کم و در شرایطی که رشادت‌ها و ازخودگذشتگی‌های رزمنده‌ها را می‌دیدیم، سعی می‌کردیم این صحنه‌ها را ثبت کنیم. اگر این رشادت‌ها و ازخودگذشتگی‌ها نبود، عراق تا تهران هم می‌آمد؛ واقعاً شرایط این طور بود.

دوربین ما قادر نبود این صحنه‌ها را به‌طور کامل ثبت کند؛ ما با همین تجربه کم سعی کردیم عکس‌هایی بگیریم که مظلومیت ما را آشکار کند، نشان بدهد که دشمن به خاک ما تجاوز کرده و بخش‌هایی از اتفاقاتی را که هیچ وقت دیده نشد، ثبت کند.

البته بخشی از این اتفاق‌ها در عکس‌ها هست، ولی آن رشادت، رزم، ایثار و ازخودگذشتگی رزمنده‌ها اصلاً قابل توصیف با کلام نیست و دوربین هم نمی‌تواند آن را به‌طور کامل ثبت کند. با این حال، تا حدودی نشان می‌دهد که از سنین مختلف در جنگ حضور داشتند؛ از یک پیرمرد هشتاد ساله تا یک جوان ده، دوازده، چهارده یا پانزده ساله.

**■ عکاس جنگ چقدر باید به جنبه‌های انسانی و عاطفی یک صحنه توجه کند و چقدر باید صرفاً ثبت‌کننده و واقعیت باشد؟**

اولاً عکاسی جنگ را باید از عکاسی دفاع مقدس جدا کنیم. عکاسی جنگ یعنی تانک، توپ و ادوات جنگی؛ اما وقتی ما عکاسی دفاع مقدس انجام می‌دادیم، روحیه رزمنده‌ها، مظلومیت ما و چهره‌هایی که در این صحنه جنگ حضور داشتند را نمی‌توانستیم بگیریم. مثلاً پیرمردی با آن سن و سال به جنگ آمده است. یا آن حس مردمی که در راهپیمایی‌ها، اعزام نیروها و بدرقه آن‌ها در خیابان‌ها وجود داشت یا کمک‌های مردمی؛ همه این‌ها بخشی از عکاسی دفاع مقدس است.

وقتی می‌گوییم جنگ، یعنی ارتش با ارتش می‌جنگد و اصلاً پشت جبهه برای شما مهم نیست که مثلاً چه کسی غذا تهیه می‌کند. اما در عکاسی دفاع مقدس، مثلاً یک پیرزن روستایی دارد برای جبهه نان می‌پزد؛ این دیگر دفاع مقدس است.

**■ الان با گذشت چند دهه از پایان جنگ فکر می‌کنید عکس‌های آن دوره چه نقشی در انتقال تجربه جنگ به نسل‌های امروز دارد؟**

دو نگاه وجود دارد؛ یکی نگاه تجربه جنگ از نظر دید عکاس است. من وقتی بتوانم سر کلاس درس بدهم، می‌توانم بگویم که باید موقعیت‌شناس باشی، زاویه‌ای‌چه باشد، لنزت چه باشد و... این یک بحث است.

اما یک دیدگاه دیگر، نگاه دفاع مقدسی است؛ یعنی شما

پس از فتح خرمشهر، عملیات رمضان انجام شد؛ ما آنجا پیشروی کردیم و پاسگاه زید را گرفتیم. پاسگاه زید جزو نخستین پاسگاه‌های خاک عراق بود که ما گرفتیم و اولین عکس‌هایی هم که از آن مخابره شد، عکس من بود. پس از آن، عملیات خیلی خوب پیش رفت و آنجا تلفات زیادی دادیم. بعد در عملیات‌های مختلف مثل والفجر مقدماتی، والفجر یک و والفجرهای مختلف شرکت می‌کردم. تا پایان جنگ، همین طور جسته و گریخته می‌رفتم. با اینکه از سال ۶۲ دانشجو شده بودم، همچنان در عملیات‌های مختلف حضور پیدا می‌کردم.

**■ عکاس جنگ با چه دشواری‌هایی برای ثبت تصویر مواجه است؟**

وقتی ما شروع کردیم، هیچ پیش‌زمینه یا تجربه‌ای نداشتیم که اصلاً در جنگ چه اتفاقی می‌افتد و ما چطور باید عکاسی کنیم. حوادث ما را می‌کشاند؛ یعنی ما اصلاً فکر نمی‌کردیم که مثلاً الان اینجا هستیم و می‌خواهیم عکس بگیریم یا از چه موضوعی باید عکس بگیریم، چون قابل پیش‌بینی نبود.

شما وقتی می‌خواهید از یک موضوع عکس بگیرید، از قبل پیش‌بینی می‌کنید، مثلاً می‌گویید من می‌خواهم از مسجد جامع اصفهان عکس بگیرم و می‌دانید چه چیزی قرار است عکاسی کنید. یا وقتی می‌خواهید از یک راهپیمایی عکس بگیرید، می‌دانید چه اتفاقی قرار است بیفتد و از کجا شروع می‌شود.

اما در جنگ، حوادث ما را می‌کشاند. خودمان پیش‌بینی نمی‌کردیم که چه کار کنیم یا تصمیم بگیریم که چه کار کنیم؛ تصمیم دست ما نبود. حوادث ما را این طرف و آن طرف می‌کشاند و ما عکس می‌گرفتیم. یک‌دفعه صبح راه می‌افتادیم که برویم خط مقدم و عکس بگیریم، اما آنجا پاتک می‌کردند و اصلاً مسیرمان عوض می‌شد؛ یا عقب‌نشینی می‌کردیم یا جلو می‌رفتیم.

**■ آیا تصویری از آن زمان وجود دارد که از ثبتش گذشته اما هنوز برای شما زنده و فراموش‌نشدنی باشد؟**

عکس‌هایی که هست مربوط به تاریخ مردم است. من نمی‌گویم کاری کردم و اصلاً انتظار ندارم کسی من را تشویق کند. اصلاً با این نیت نرفتم که انتظاری داشته باشم، پاداشی بگیرم یا امتیازی بدست بیاورم. در این سال‌ها و همان سال‌ها هم چنین نیتی نداشتم. مانند خیلی‌های دیگر، به هر حال کشورمان مورد تجاوز و حمله قرار گرفته بود و من هم به عنوان یک ایرانی مثل پزشکان، راننده‌ها و بسیاری از رزمنده‌ها احساس می‌کردم وظیفه خودمان است که برای دفاع از میهنمان برویم و این حوادث را دنبال کنیم و سعی می‌کردم این حوادث را از طریق دوربین ثبت کنم. خدا را شاکرم که عکس‌های خیلی خوبی گرفتم و این عکس‌ها در تاریخ تصویری جنگ ایران و عراق باقی مانده است.

**فاطمه طالبیان |** ۳۱ شهریور ماه یادآور روزی است که جنگ تحمیلی هشت‌ساله آغاز شد؛ جنگی که نمتنها بخشی از تاریخ سیاسی و نظامی ایران، بلکه بخش مهمی از حافظه تصویری چندنسل را نیز شکل داد. در آن سال‌ها، عکاسان جنگ در کنار رزمندگان و نیروهای امدادی راهی جبهه‌ها می‌شدند تا آنچه در میدان نبرد، شهرهای جنگ‌زده و پشت جبهه رخ می‌داد، ثبت کنند؛ تصویری که بسیاری از آن‌ها بعدها به اسناد ماندگار تاریخ معاصر ایران تبدیل شدند.

در میان این عکاسان، دکتر امیرعلی جوادیان، عکاس تهرانی از جمله کسانی است که از نخستین سال‌های جنگ، دوربین خود را به جبهه برد و از عملیات فتح‌المبین تا بیت‌المقدس، رمضان و والفجرها، بخشی از مهم‌ترین لحظات جنگ را ثبت کرد. او که اکنون مدیرگروه عکاسی دانشکده خبرگزاری فارس است، در گفت‌وگو با ما از روزهایی می‌گوید که عکاسی جنگ هنوز تجربه‌ای ناشناخته بود، حوادث، مسیر عکاس را تعیین می‌کرد و گاهی یک عکس، فراتر از یک تصویر، به سندی برای اثبات یک رویداد تاریخی تبدیل می‌شد؛ از جمله نخستین تصویری که از آزادسازی خرمشهر مخابره شد.

**■ مسیر شما به عنوان عکاس جنگ چگونه شکل گرفت؟**

حدود سال‌های ۵۹، ۶۰ و ۶۱ به‌دنبال این بودم که شغلی داشته باشم و به صورت اتفاقی شغل عکاسی را انتخاب کردم. خوشبختانه در حوزه اندیشه هنر اسلامی بودیم که الان به حوزه هنری سازمان تبلیغات تبدیل شده است. سال ۶۱ به خبرگزاری جمهوری اسلامی رفتم. آن زمان خبرگزاری پارس بود که بعدها به خبرگزاری جمهوری اسلامی و الان به ایرنا تبدیل شده است. آنجا به عنوان عکاس استخدام شدم که مصادف شد با عملیات‌های پی‌درپی. از آن زمان مرتب به جبهه می‌رفتم و همیشه هم داوطلب بودم. نخستین کارم از عملیات فتح‌المبین شروع شد. پیش از عید نوروز به آنجا رفتم و عملیات شروع شد و پس از آن مرتب در صحنه جنگ و درگیر این داستان‌ها بودیم. همیشه هم داوطلب بودم و عکس‌های خیلی خوبی از آن دوران دارم.

پس از آن، عملیات بیت‌المقدس شروع و به آزادسازی خرمشهر منجر شد. من را به عنوان عکاس فتح خرمشهر می‌شناسند، چون عکس‌های زیادی از فتح خرمشهر گرفتم. اولین عکس‌هایی که از فتح خرمشهر مخابره شد، عکس‌های من بود.

به محض اینکه عکس من مخابره شد، صدام هم اعتراف کرد چون تا روز قبل و تا زمانی که عکس‌ها منتشر نشده بود، سندی وجود نداشت که نشان دهد ما در خرمشهر هستیم و ایران خرمشهر را گرفته است. از آن به بعد، وقتی عکس‌ها منتشر شد، قدرت عکس خودش را نشان داد؛ عکس به سندی تبدیل شد که نشان می‌داد ما خرمشهر را پس گرفته‌ایم و خرمشهر آزاد شده است.



طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

جدول ۹۵۳۳

میهن – زادگاه رازی ۱۴، رودخانه – دومین – پدر شعرنوفارسی ۱۵. اشاره به نزدیک – بیرون زدن نامطلوب مایعات از ظرف حمل آن – جاده آهنی

|    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۹۵ | ۱  | ۲  | ۳  | ۴  | ۵  | ۶  | ۷  | ۸  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۸۱ | ۲  | ۴  | ۱  | ۳  | ۵  | ۶  | ۷  | ۸  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۷۱ | ۳  | ۵  | ۱  | ۲  | ۴  | ۶  | ۷  | ۸  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۶۱ | ۴  | ۶  | ۱  | ۳  | ۵  | ۷  | ۸  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |
| ۵۱ | ۵  | ۷  | ۲  | ۴  | ۱  | ۳  | ۶  | ۸  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
| ۴۱ | ۶  | ۸  | ۳  | ۵  | ۲  | ۴  | ۷  | ۹  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ |
| ۳۱ | ۷  | ۹  | ۴  | ۶  | ۳  | ۵  | ۸  | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ |
| ۲۱ | ۸  | ۱۰ | ۵  | ۷  | ۴  | ۶  | ۹  | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ |
| ۱۱ | ۹  | ۱۱ | ۶  | ۸  | ۵  | ۷  | ۱۰ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ |
| ۰۱ | ۱۰ | ۱۲ | ۷  | ۹  | ۸  | ۹  | ۱۱ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ |
| ۰۲ | ۱۱ | ۱۳ | ۸  | ۱۰ | ۹  | ۱۲ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ |
| ۰۳ | ۱۲ | ۱۴ | ۹  | ۱۱ | ۱۰ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ |
| ۰۴ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۰ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ |
| ۰۵ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۵ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ |
| ۰۶ | ۱۵ | ۱۷ | ۱۲ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۶ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ |
| ۰۷ | ۱۶ | ۱۸ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۷ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ |
| ۰۸ | ۱۷ | ۱۹ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۸ | ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ |
| ۰۹ | ۱۸ | ۲۰ | ۱۵ | ۱۷ | ۱۶ | ۱۹ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ |
| ۱۰ | ۱۹ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۸ | ۱۷ | ۲۰ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۰ |
| ۱۱ | ۲۰ | ۲۲ | ۱۷ | ۱۹ | ۱۸ | ۲۱ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۷ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۰ | ۳۱ |

دوره قاجاریه و نخستین ایرانی بود که دوره آموزش خلبانی دید

■ عمودی

۱. کلرو فیل – روکش چشم – ایالتی در هندوستان ۲. مایل – فقیر – رفیق موقت جسم ۳. زیر پا مانده – کالای مرجوعی – سعی و تلاش ۴. خوراکی خنک پُرطرفدار فصل گرما – خودرو بازنشسته وطنی ۵. برخی خاورشناسان این شهر لرستان را همان «نیسا» دانسته‌اند که داریوش در کتیبه بیستون از آن یاد کرده است- واحد طول – پشته خاک – خدای سنگی ۶. رفیق شقیق – حرفی روی خودش – جایگزین – دوست ۷. دفع مزاحمت – رژیم نژادپرست سابق آفریقای جنوبی – رسوب ته جوی ۸. نام دخترانه ایرانی – قلدر ۹. نظر انتخاباتی – کنایه از آدمی است که قدر خوبی‌های کسی را نداند – ستون بدن ۱۰. ضربه‌ای در والیبال – دوختن پارگی فرش و لباس – کلام بی‌پرده – قطار ۱۱. سرمای شدید – دنباله‌رو سوزن – بتی در جاهلیت – «پرواز» بی‌نظم ۱۲. دوزاندیشی – چراغ نفتی خوراکی‌پزی ۱۳. از انواع سیستم‌های بخش صوت – جان‌فدای